

نگاهی به تصحیح «تاریخ بیهقی» به کوشش سعید نفیسی

کتابی نفیس به تاریخ بیهقی

امید حسینی نژاد



هرکس که دل در گرو ادبیات فارسی و پژوهش های ایران شناسی دارد به یقین نام سعید نفیسی یکی از

نوادر زبان و ادب فارسی قرن چهاردهم خورشیدی را شنیده است. سخن گفتن از نوشته ها و پژوهش های فاخر نفیسی، مجال دیگری می طلبد. حتی مطالعه فهرست آثار منتشر شده به خامه این پژوهشگر سترگ زمان زیادی نیاز دارد. در این نوشته برآنیم تا نگاهی به تصحیح استاد از یکی از متون کهن زبان فارسی یعنی «تاریخ بیهقی» داشته باشیم. او زمانی قدم در این مسیر گذاشت که نسخه های خطی زیادی از این کتاب دستیاب نبود. پیش از این دو تصحیح از تاریخ بیهقی منتشر شده بود که یکی سال ۸۶۲ میلادی در کلکته به کوشش دو مستشرق انگلیسی «مورلی» و «اپیتان» ناسولیس، چاپ شد و دیگری در تهران به همت ادیب پیشاوری در سال ۱۳۰۷ قمری که با تعلیقات و حواشی این ادیب نستوه به زیور طبع آراسته شد.

- چرا نفیسی دست به این کار زد؟

سعید نفیسی هر دو تصحیح این کتاب را از نظر گذرانده بود، اما با این حال تصحیح دوباره این کتاب را لازم می دانست. او در مقدمه جلد اول تاریخ بیهقی می نویسد: «این دو چاپ گذشته از آنکه کمیاب شده با مقتضای این روزگار ما راست نمی آید، زیرا در هر دو افتادگی ها و نادرستی هایی هست که باید کسی آن ها را برطرف کند و به روش پسندیده امروز چاپ دیگری آماده کند.» با همین نگاه سعید نفیسی کمر همت بست تا با وجود سختی های فراوان برای یافتن نسخه های صحیح از این کتاب، تصحیحی نو از آن ارائه کند. البته که هر ناشری برای چاپ این اثر داوطلب نمی شد. یکی از مشکلات بر سر راه نفیسی همین مسئله بود.

او می نویسد: «از ۱۰ سال پیش من خود را برای این کار دشوار آماده کردم و دوبار هم نخستین گام را در این راه برداشتم، ولی هر دو بار دو کتاب فروشی که خواستند این کار را بکنند کوتاه آمدند.» باید به این نکته اشاره کنم که جلد اول تاریخ بیهقی در سال ۱۳۱۹ خورشیدی منتشر شد و به گفته نفیسی ۱۰ سال قبل از انتشار به فکر شروع این کار بوده. یعنی از سال ۱۳۰۹ خورشیدی، اما برخی مشکلات باعث طولانی شدن این کار شده است.

در آن دوره اگر محقق به فکر تصحیح اثری می افتاد با مسیر پرفراز و نشیبی روبه رو بود. در زمان ما شما برای دسترسی به نسخه های خطی می توانید به سایت کتابخانه های معتبر دنیا مراجعه کنید و بسیاری از نسخه های نفیس آن ها را ببینید و حتی دریافت کنید، اما در آن دوره محققانی مثل علامه محمد قزوینی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی و ... به سختی به کشورهای مختلف سفر می کردند و با دشواری تمام از کتابخانه می خواستند تا از نسخه عکس برداری و با هزینه ای گزاف دریافت کنند. مرحوم علامه قزوینی از مشکلات خود برای دریافت نسخه های خطی از کتابخانه در نامه هایی که به فروغی و تقی زاده نوشته یاد کرده است.

سعید نفیسی هم از این قاعده مستثنی نبود و در مقدمه تصحیحش می گوید: «از نخستین روزی که دست به دامان این کتاب شدم و از نظر تاریخ و زبان درصدد بهره مندی از آن شدم و هر دو چاپ را همواره با هم می نگرستم در پی آن برآمدم که نسخه معتبر خطی قدیم از این کتاب بیابم و هرچه در فهرست های کتابخانه ای اروپا و امریکا و ترکیه و هندوستان و مصر گشتم نسخه معتبر کهنه ای از این کتاب نیافتم.»

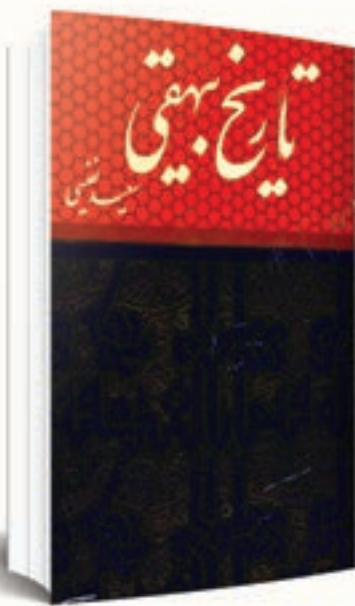
- نسخه های هندی و ایرانی

بیشتر نسخه های خطی تاریخ بیهقی در هند موجود بوده است. نفیسی نخستین کسی است که دو تقسیم بندی از نسخه های خطی تاریخ بیهقی ارائه داد. او معتقد بود

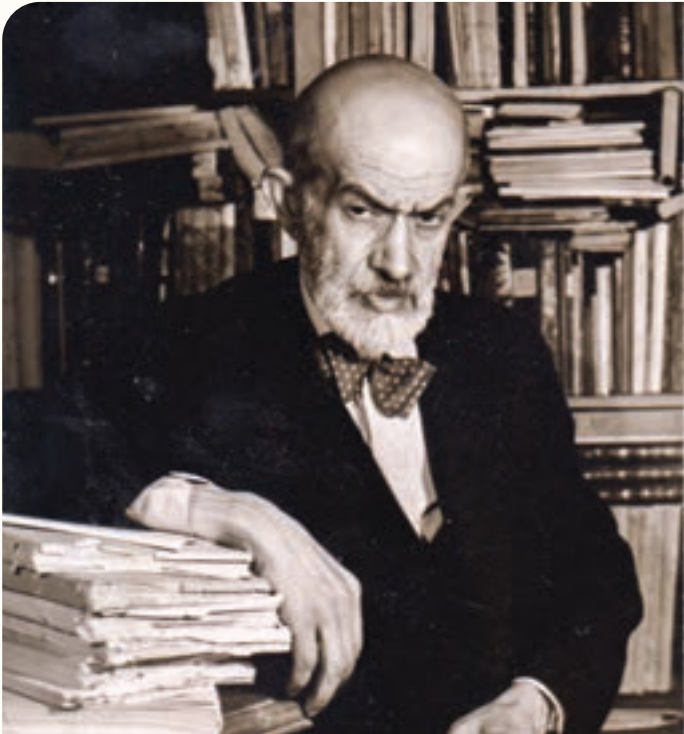
که این نسخه ها به دو دسته هندی و ایرانی تقسیم بندی می شود. او بر همین اساس چاپ کلکته را نماینده نسخه های هندو چاپ تهران را نماینده نسخه های ایران دانسته است. دکتر علی اکبر فیاض هم به تبعیت از نفیسی سال ها بعد همین تقسیم بندی را مبنای مطالعه نسخه های خطی بیهقی قرار داده و در مقدمه تصحیح خود از این کتاب به آن اشاره کرده است.

- ویژگی های تصحیح نفیسی

سعید نفیسی در زمان کار روی این کتاب برخی نسخه های چاپی و خطی در خورتوجهی از تاریخ بیهقی در اختیار داشته است. او نسخه ای از چاپ تهران تاریخ بیهقی در اختیار داشته که با نسخه ای خطی مقابله شده است. او درباره این نسخه می نویسد: «نسخه چاپ طهران که به دست دارم و از بیست سال پیش نزد من است پیش از آن به دست دانشمندی که نمی دانم کیست افتاده است و او قطعاً با نسخه معتبر خوبی مقابله کرده و ناروایی هایی را که در این چاپ یافته است با تراشیده و درست کرده یا در حاشیه نوشته و نسخه بدل کرده است و در هر صورت همه



شاید شما با خود این گونه بپندشید که مصحح یک کتاب با ذهنی آرام و بدون هیچ دغدغه ای شروع به کار کرده و همه چیز برایش فراهم بوده و پول زیادی هم به جیب می زده است. اما داستان این گونه که فکر می کنید نیست. گاه مصحح برای دسترسی به نسخه های خطی باید پول گزافی خرج می کرد و این هزینه حتی با حق چاپ کتاب نیز جبران نمی شد. نفیسی در مقدمه تاریخ بیهقی با اشاره به حال و هوای روزگاری که شروع به تصحیح



تاریخ بیهقی کرده است می نویسد: «چیزی که خاطر مرا بی دغدغه نمی گذارد این است که شصده صفحه ای که از این مجلد تا کنون چاپ شده در پرنگامه ترین دوره های زندگی من فراهم شده و نسخه ای که برای چاپ آماده کرده ام و غلط گیری های چاپخانه را که انجام داده ام در میان گرفتاری های گوناگون شبانه روزی که حتی راه خواب را بر چشم و مجال رفع خستگی و آسایش را بر سر انگشت می بست پرداخته ام و در این میان که به این کار مشغول بودم چندین کتاب دیگر به دستم بود و چندین کار مختلف را می بایست از عهده برآیم و آن فراغت بال و وارستگی ذهن که لازمه چنین کارهای دقیق و پر مسئولیت است حاصل نبود و اگر این کار را هم بر کارهای دیگر نمی افزودم کسی چه می داند که آیا روزگار باز فرصتی مهیامی ساخت که در زمان دیگری که وظیفه کمتر و مجال اندیشه بیشتر باشد به این کار بپردازم و انگهی کسانی را که خواهان این گونه کلا هستند و از دیرباز کرم و بزرگواری ایشان منتی بزرگ بر من دارد و از این تا توان تهی دست توقعی دارند چه جواب می دادم؟»

جلد دوم تاریخ بیهقی به تصحیح نفیسی و پربرگ منتشر کرده است.

نگاهی به استفاده از شگردهای داستان نویسی در تاریخ بیهقی

تاریخ نگاری با مهارت های نویسندگی

گروه فرهنگ و ادبیات

ویژگی های ادبی «تاریخ بیهقی، باعث شده که این اثر بیش از کلاس های تاریخ، در دانشکده های ادبیات خوانده شود و در میان کتاب های درسی، کتاب های زبان و ادبیات فارسی حامل بخش هایی از آن به عنوان نمونه ای از سرآمدان نثر فارسی باشند. از ویژگی های تاریخ بیهقی و آنچه این اثر را از دیگر آثار کهن تاریخی متمایز می کند، این است که ابوالفضل بیهقی، تاریخ را قصه گونه و داستان وار نوشته و از این طریق بر جذابیت های اثرش افزوده است. احمد رضی، استاد زبان و ادبیات فارسی، برخی از شگردهای داستان نویسی در کار بیهقی را در مقاله ای با عنوان «داستانوارگی تاریخ بیهقی، آورده است که گزیده ای از آن را در اینجا می آوریم. استفاده بیهقی از شگردهای داستانی باعث شده است این اثر تاریخی پس از گذشت ۱۰ قرن هنوز، زنده، پرکشش و خواندنی باشد.

روایتگری

بخش مهمی از کشش متن های تاریخی و داستانی به چگونگی روایت آن ها بستگی دارد. هر چند مورخان ملزم به رعایت ویژگی های هنری و از جمله ایجاد کشش در متن نیستند، بیهقی، از آنجا که دغدغه مخاطب را دارد، مانند داستان نویسان، به طور جدی به چگونگی روایت کردن می اندیشد. او در روایت هایش همه حوادث را گزارش نمی کند، بلکه به گزینش حوادث دست می زند و با ایجاد رابطه علت و معلولی بین حوادث، ساختاری هماهنگ و یک دست عرضه می کند.

شخصیت پردازی

هر چند بیهقی با شخصیت های واقعی روبه روست و در عمل دست او برای آفرینش شخصیت ها بسته است، اهمیت کار او در این است که همچون داستان نویسان ماهر، با نشان دادن ویژگی های بیرونی و درونی شخصیت هایی همچون احمد حسن میمند، حسنگ وزیر، بونصر مشکان و بوسهل زوزنی، چهره ای زنده و ملموس از آنان برای خوانندگان به تصویر می کشد، به نحوی که خوانندگان تاریخش نمی توانند نسبت به آن شخصیت ها بی اعتنا باقی بمانند. به همین دلیل ممکن است با خواندن آن نسبت به امثال حسنگ احساس ترجم و نسبت به امثال بوسهل احساس نفرت کنند. اما آنچه کار بیهقی را بیش از همه به کار داستان نویسان مانند کرده، این است که او در شخصیت پردازی، به استفاده از شیوه توصیف پسند نکرده، بلکه با استفاده از روش نمایشی، کوشیده است تا شخصیت ها را در حین عمل نشان دهد. از این رو، ما با خواندن آن روایت هنرمندانه او از کردار و گفتار شخصیت ها، می توانیم بفهمیم که آنان چه خصلت هایی داشته اند. مثلاً وقتی نحوه برخورد بوسهل زوزنی با سر بریده حسنگ را از زبان بوالحسن حربلی می خوانیم، به بد ذاتی و شرارت بوسهل پی می بریم و نسبت به شخصیت او احساس ناخوشایندی پیدا می کنیم.



نگاره ای تاریخی که بر اساس یکی از روایت های تاریخ بیهقی طراحی شده است

لحن

لحن کلی بیهقی در آن بخش که به مخاطب بازمی گردد صمیمانه، فروتنانه و احترام آمیز و در آن بخش که به نویسنده باز می گردد جدی و قرین دقت و نکته بینی است. او، به اقتضای مقام و موضوع، لحن مناسب برمیگزیند. مثلاً وقتی می خواهد حوادث جنگ را روایت کند، لحن او حماسی می شود و آنجا که داستان بر دار کردن حسنگ را گزارش می کند، لحنی ترازیک دارد و آنجا که خوش باشی ها و شادکامی های مسعود را می نویسد، لحنی شادمانه اختیار می کند. لحن در زبان گفتاری شخصیت ها نیز مورد توجه بیهقی بوده است. از لحن سخنان شخصیت ها در تاریخ بیهقی می توان تا اندازه ای به جایگاه و موقعیت آنان پی برد.

صحنه آرایی و فضا سازی

اهمیت بیهقی آن است که اولاً در تاریخ نگاری خود به بازتاب دادن صحنه هایی که حوادث تاریخی در آن اتفاق افتاده اند توجه جدی داشته است. ثانیاً تصویری که از صحنه ها عرضه کرده، روشن، زنده، دیدنی و جذاب اند. او، هرچند به دلیل سرو کار داشتن با تاریخ در آفرینش صحنه ها آزادی عمل ندارد، با استفاده از دو روشی که امروزه داستان نویسان در صحنه پردازی از آن ها بهره می گیرند (گفتار درونی و ترسیم صحنه هایی که در پیشبرد ماجرا و جذاب کردن آن ها مؤثر است به صورت زنده و گوینا) خواننده را در فضا و حال و هوای داستانی قرار می دهد. البته بیهقی بیش از همه از شیوه توصیف که در قدیم رواج داشته است کمک می گیرد. بیهقی، در صحنه پردازی حوادث، در نمونه های متعدد از شیوه ای استفاده کرده است که امروزه در داستان نویسی رواج دارد. شیوه ای که براساس آن، صحنه ها به صورت غیرمستقیم و از طریق گفت وگو یا لحن به خوانندگان القا می شود.

مکالمه

مکالمه به عنوان ابزار روایت، در کنار توصیف، به صورت گسترده در تاریخ بیهقی به کار گرفته شده است و بیهقی، با استفاده از آن، تا اندازه ای از دخالت مستقیم خود در شرح ماجراها کاسته و خوانندگان را بی واسطه در جریان حوادث قرار داده، و بدین وسیله بر کشش و جذابیت اثرش افزوده است. بیهقی، با روایت بخشی از تاریخ به شیوه مکالمه، شخصیت های تاریخ را به سخن وامی دارد تا خوانندگان آنان را بهتر بشناسند، اندیشه ها و احساسات آنان را به خوبی دریابند، به عیب ها و هنرهای آنان پی ببرند و ویژگی های روحی و خلقی آنان را دریابند. مکالمات اشخاص در تاریخ بیهقی با ویژگی های شخصیتی آنان سازگار است و با روحیات آنان هم خوانی دارد. از این رو طبیعی جلوه می کند و واقعی بودنشان را محسوس می سازد که خود نمودار توانایی و مهارت بیهقی در امر نویسندگی است.

زاویه دید

زاویه دید، دیدگاهی است که نویسنده برای روایت حوادث و ماجراها انتخاب می کند. تاریخ بیهقی، اگر بخواهیم از نگاه منتقدان داستان ها به آن بنگریم، دارای زاویه دید متغیر یا چندگانه است. به تعبیری دیگر، می توان نمونه هایی از همه انواع زاویه دید را در این کتاب یافت. شیوه غالب در تاریخ بیهقی، زاویه دید دانای کل مفسر یا مداخله گر است. بیهقی، با استفاده از این شیوه، در قالب نویسنده همه چیزدان ظاهر می شود و در همه صحنه ها آزادانه رفت وآمد و درباره اعمال و افکار و عواطف شخصیت ها اظهارنظر می کند. او در بسیاری مواقع، زاویه دید دانای کل محدود را برمیگزیند، یعنی ماجراها را از زبان یکی از شخصیت ها روایت و از بیرون، در کار روایتگری به او کمک می کند. بیهقی گاه از زاویه دید نمایشی یا زاویه دید عینی نیز استفاده می کند، یعنی به جای شرح اندیشه ها و اعمال شخصیت ها، با روایت مکالمات، کردار و رفتار آنان را به خوانندگان می شناساند.